



ملاحظه شرایط جنگی

به ادامه بحث:

«فارعوا - عباد الله - ما برعایتہ بفوز فائزکم و باہباعته یخسر مبطلمکم».

پس رعایت کنید، ای بندگان خدا، آن چیزی را که به رعایت کردن آن، رستگارتان پیروز و بهره مند می شود و با ضایع کردن آن، اهل باطل شما زیان و ضرر می بیند.

آن چیزی را که حضرت سفارش می کنند که باید رعایت و نگهداری شود و به بندگان خدا وصیت می نماید که حتماً آن را باید رعایت کنید و گرنه رستگار نخواهید شد، همان تقوی است که اگر انسان تقوی داشته باشد، دینش حفظ می شود و رستگار و کامیاب می گردد و اهل باطل که از تقوی گریزان اند، بی گمان تیره بخت و بیچاره خواهند شد و روزی سیاه در انتظارشان خواهد بود.

«و بادروا آجالکم بأعمالکم».

با کارهای نیکتان بر مرگ پیشی بگیرید.

اعمالتان را پیش از خود بفرستید

اجل دیر یا زود فرا می رسد و شما خواه ناخواه از این جهان باید رخت بر بندید، پس چه بهتر که با دست پر و قلبی مطمئن به لقاء خدایتان بشتابید. مطمئن باشید که اگر مرگ رسید، انبارهای پول و زر، ارزشی برایتان ندارد و تنها چیزی که شما را سود می بخشد، کارهای خیری است که در دنیا انجام داده اید.

فَارْعَوْا - عِبَادَ اللَّهِ - مَا يَرْغَبُ بِهٖ بِفَوْزٍ فَائِزٍ كُمْ ، وَ يَخْسِرُ بِهٖ بِخَسْرٍ مُّبْطِلٍ كُمْ ، وَ بَادِرُوا أَجَالَكُمْ بِأَعْمَالِكُمْ ، فَإِنَّكُمْ تَرْغَبُونَ بِهَا السَّلَامَ ، وَ تَمْتَلِقُونَ بِهَا قَدَمَكُمْ ، وَ كَأَنَّ نَدَى تَرَالٍ بِكُمُ الْخَوْفُ فَلَا رَجْعَةَ تَنَالُونَ ، وَ لَا عِثْرَةَ تَنَالُونَ ، أَسْخَلْنَا اللَّهُ دِيَارَكُمْ بِطَاعَتِهِ وَ طَاعَةِ رَسُولِهِ ، وَ عَفَاعَتَا وَعَمَلِكُمْ بِفَضْلِ تَحْيَاهِ .

الرِّبَا وَالْأَرْضَ ، وَ اصْبِرُوا عَلَى اللَّوَاءِ ، وَ لَا تَحْزَنُوا بِأَيِّدِكُمْ وَ سُبُوحِكُمْ فِي مَوْتِ آلِ سَيِّدِكُمْ ، وَ لَا تَسْجَلُوا أَيَّامَ الْبَيْعَةِ اللَّهُ لَكُمْ ، فَإِنَّهُ مِنْ مَنَاتِكُمْ عَلَى فِرَاشِهِ وَ هُوَ عَلَى مَعْرِفَةِ حَقِّ رِبِّهِ وَ حَقِّ رَسُولِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ نَاتٍ شَهِيدًا ، وَ دَفَعَ أَمْرَهُ عَلَى اللَّهِ ، وَ اسْتَوْجَبَ ثَوَابَ مَا تَوَيْتُمْ مِنْ صَالِحِ عَمَلِهِ ، وَ قَامَتِ الْبَيْتَةُ مُقَامَةً صَلَاةٍ لَيْسَ فِيهِ ، فَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مَدَّةً وَ أَجَلًا .

خطبه مورد بحث ما، خطبه ۱۹۰ نهج البلاغه با تفسیر محمد عبده و یا ۲۳۲ با ترجمه فیض الاسلام بود. در قسمتهای گذشته، مطالب خطبه را پیرامون مرگ و عبرت از آن و عالم برزخ و قیامت و جهنم و بهشت و اهل بهشت تا اندازه ای تفسیر نمودیم، و اینک



خیرات و عبادتها و گریه های شبانه و خدمت به مردم است که ره توشه شما است و هرچه اعمال خوبتان بیشتر باشد، نتیجه اش شیرین تر و گواراتر است، پس قبل از فرا رسیدن مرگ، با کارهای خوب بر آن سبقت بگیرید که لحظه آخر زندگی شما، آغاز لذت و آرامشان باشد.

در روزنامه ای خواندم که شاه ایران در آخرین روزهایی که اوضاع زندگی بهم ریخته بود و می خواست از ایران فرار کند سعی کرد هرچه بیشتر اموال و ذخایر ملت را با خود ببرد؛ لذا ۲۸ تن یعنی ۲۸ هزار کیلو طلای ناب به بلژیک فرستاد و ۱۴ میلیارد دلار با خود خارج ساخت! این بیچاره خیال می کرد این همه پول و طلا، او را از اجل حتمی می رهند، از این روی پس از آن همه ظلم و طغیان، اموال ملت محروم را با خود برد، شاید لذتی با آنها برد ولی همه دیدید که با چه وضع فلاکت و بدبخشی به جهنم وصل شد و یک دلار هم نتوانست با خودش ببرد.

عقیده و ایمان و کار خیر است که هرچه زیادتر باشد، دم مرگ برای انسان لذت بخش تر و احوال قیامت کمتر است و ما هم که سندی دریافت نکرده ایم که هر یک چقدر در این جهان زندگی می کنیم؛ یکبار می بینید «بانگی برآمد خواجه مُرد» پس قبل از رسیدن مرگ باید زاد و توشه خود را آماده سازیم و با دست خالی سفر نکنیم که راه بسی دراز است و پر پیچ و خم. گو اینکه این زمان با افزایش وسائل تخریب از قبیل موشکها و بمب ها و مواد منفجره و حتی اتومبیل ها و هواپیماها که برای آسایش ما فراهم آمده و همچنان تصادف های وحشتناک در بردار مرگ و میرها زیادتر شده است، و از آن سوی می آید که می خواهیم روی پای خود بایستیم و به شرق و غرب پشت نکنیم، دشمن آن همه توطئه ها و جنگ ها برایمان تدارک دیده است، پس باید بیش از پیش به فکر خود باشیم؛ مرگ هم با کسی شوخی ندارد، پیر و جوان هم سرش نمی شود، شاه و گدا هم نزدش یکسان است؛ بنابراین بایست با اعمال خوبمان، مهتای سفر آخرت باشیم. چرا که در آنجا دیگر پشیمانی اثری ندارد. مثل فارسی می گوید: «هرچه کاری همان پدروی» اینجا که جهان فانی است، جای کشت و زرع است، هرچه بیشتر بکاریم، در آن جهان بیشتر درو خواهیم کرد.

«فانکم مُرتهنون بما أسلفتم وقدینون بما قدّمتم».

چرا که شما گروگان چیزی هستید که قبلاً فرستاده اید و به آنچه تقدیم کرده اید، جزا داده می شوید.

شما بندگان خدا در گرو کارهای خود هستید، اگر پیش از رفتن اعمال صالحه را برای خود بفرستید رها می شوید و اگر خدای نخواست کارهای بد داشتید، کیفر خواهید شد، پس شما گروگان کارهای خود هستید.

«وكان قد نزل بكم المخوف فلا رجعة تالون ولا غنرة تقالون».

و گویا مرگ، همان چیزی که از آن می ترسیدید، شما را دریافته و نه دسترسی به بازگشتی دارید و نه لغزشی را می توانید تدارک کنید.

هر لحظه منتظر مرگ باشید

هان! ای بندگان خدا، همان مرگی که از آن وحشت داشتید، و می ترسیدید شما را دریابد، به شما دسترسی پیدا کرد و شما را دریافت، یعنی هر لحظه باید منتظر مرگ باشید، و حالا دیگر توان برگشتن به دنیا و تدارک کارهای گذشته تان را ندارید و اگر لغزشی از شما سرزده، دیگر وقت بازگشت و اصلاح آن نمانده است، پس هرچه زودتر توبه کنید و خود را دریابید و از این پس تلاش کنید لغزشی از شما سرزنند زیرا مرگ ناگهان می رسد. «الموت يأتي بغتة والقر صدوق العمل».

«استعملنا الله وإياكم بطاعته و طاعة رسوله و عفا عما و عنكم بفضل رحمته».

خداوند ما و شما را به اطاعت از خود و پیامبرش و دارد و به فضل و رحمتش از تقصیرات ما و شما بگذرد.

در این فراز، حضرت دعا می کنند و از خدا می خواهند که خداوند توفیق اطاعت و پیروی کردن از دستوراتش و دستورات پیامبرش را به خودش و به بندگان الهی عطا نماید و با فضل و رحمتش بر ما منت نهد و از تقصیرات ما درگذرد.

توجه کنید، حضرت با آن مقام والائی که دارد باز هم خودش را مستحق عفو و بخشش الهی می داند و از خدا می خواهد که از او و بندگان خدا درگذرد. و این درسی است به ما بیچارگان با آن



هنه گناه و لغزشی که داریم و واقعاً باید همواره از خدا بخوایم خودش ما را به کار خیر وادارد و توفیق بندگی و اطاعت به ما عطا فرماید و بر ما منت نهد و از تقصیرات ما بگذرد چرا که اگر با عدلش بخواید با ما رفتار کند، بیچاره خواهیم بود و لذا از خدا باید بخوایم که ما را با فضل و کرمش ببخشد و از گناهانمان بگذرد.

«الرَّزْمُوا الْأَرْضِ وَأَصْبِرُوا عَلَى الْبَلَاءِ، وَلَا تَحْرِكُوا
بِأَيْدِيكُمْ وَسُوفَ كُمْ فِي هَوَى السُّتُكُم».

سر جایان بنشینید (و آرامش داشته باشید) و بر بلاها و مصیبت‌ها شکیبائی ورزید و دستها و شمشیرها را بی جا برای هوا و هوس زیباتان به حرکت در نیاورید.

لزوم برنامه ریزی قبل از جنگ

از این قسمت خطبه معلوم می شود، برخی از یاران حضرت از دست معاویه و یا خوارج کاسه صبرشان لبریز شده بود، و نمی توانستند تحمل بلاها را بکنند و لذا خیلی برای رفتن به جبهه و جنگیدن با دشمنان عجله داشتند و ملاحظه اوضاع و شرایط زمان را نمی کردند، و شاید تنها برای رسیدن به فیض شهادت اینقدر شتابزده بودند، حضرت امیر علیه السلام با اینکه همواره در خطبه ها مردم را تحریص و تشویق به رفتن به جبهه و کارزار می کرده و از بهانه های واهی یاران سست عنصرش گله و شکایت می کرده و راجع به جهاد و تحریک کردن مردم سخنان زیادی از آن حضرت در لابلای کتابها و خصوصاً تونهج البلاغه نقل شده است، با این حال در اینجا حضرت از یارانش می خواهد که عجله نکنند و شتابزده عمل ننمایند و باید آرامش خود را نگهدارند و بر بلاها و مصیبت ها تا وقتی که شرایط جوی، زمانی و مکانی حمله فراهم آید، شکیبا باشند و بیهوده از این شاخه به آن شاخه نپرند و دستها را حرکت ندهند که پس از حرکت دادن دست، شمشیرها به حرکت درمی آید و چه بسا تنها برای هوای نفس یا برای سخن باطلی که گفته اند باشد و هنوز وقت رفتن به میدان کارزار نرسیده باشد.

و در این فراز مشخص می شود که حضرت روی برنامه ریزی

و تهیه عده و غده لازم تکیه می کنند و گرنه کسی بیشتر از آن حضرت در رابطه با جنگ و جهاد سخنرانی نکرده، بلکه همواره از بی وفائی اصحابش که بهانه سرما و گرمای آوردند و به جبهه نمی شتافتند، گله کرده و به خدا پناه برده است، ولی در اینجا که حضرت از عاشقان شهادت می خواهد که صبر کنند و عجله نکنند و شتابزده به میدان نروند، برای این است که در آن وقت که حضرت خطبه را ایراد فرموده اند، قطعاً شرایط جنگ فراهم نبوده است لذا آنها را دستور به صبر و بردباری می دهد، نه اینکه برخی از مرتجعان و راحت طلبان بخوانند از این فراز سوء استفاده کنند و جنگ و جهاد را بکلی نادیده بگیرند و دفاع از حق و حقیقت را تخطئه نمایند.

در هر صورت مواجهه با دشمن، نیاز به جمع آوری نیرو و تهیه مهمات و ملاحظه جو و اوضاع زمانی و شرایط مکانی دارد؛ پس فرزندان عزیز ما نیز نباید عجله کنند، اگر دیدند حمله مقداری دیر شده است، لابد مصلحتی در کار بوده است. گاهی بچه های ما از روی علاقه و عشقی که دارند خیال می کنند خود شهادت هدف است در صورتی که هدف احقاق حق و پیروزی بر باطل و اعلاء کلمه الله است و شهادت وسیله ای است برای رسیدن به آن آرمان مقدس و والا. آنچه مهم است و باید جانها و مالها در راهش فدا کرد، حق و اسلام است که حسین علیه السلام با آن عظمتش در راه اسلام فدا شد و حتی از طفل شیرخوارش نیز در همین راه گذشت.

پس اگر بشود حق را تأمین کرد و پیروزی را با تلفاتی کمتر بدست آورد چه بهتر، ولی اگر شرایط فراهم آمد و جبهه نیاز به افراد داشت، دیگر جای درنگ نیست، باید هرکس توان دارد به میدان کارزار بشتابد مگر افرادی که برای اداره کردن امور و پشتیبانی جبهه، وجودشان هنوز در پشت جبهه لازم است.

«وَلَا تَسْتَعْجِلُوا بِمَالِكُمْ بِعَجَلَةِ اللَّهِ لَكُمْ».

و در آنچه خداوند هنوز دستور نداده، شتاب نکنید.

در اینجا حضرت باز هم می خواهند تأکید کنند که چون شرایط جنگ هنوز فراهم نیامده لذا نباید عجله کرد، چرا که هرگاه شرایط آماده شد و خدا می خواست که با کفار و مشرکین و دشمنان اسلام به جنگ پردازیم، خواه ناخواه جنگ را آغاز خواهیم کرد و از حق و اسلام دفاع خواهیم نمود ولی الآن هنوز



و سزاوار پاداش نیک برای کار نیکی که نیت کرده است خواهد بود.

همین که نیت کار خیری کرده است کافی است که پاداش آن را دریابد گرچه نتواند به مرحله عمل برساند و این است معنای روایتی که می فرماید: «نیت المؤمن خیر من عمله».

در هر صورت این فراز از خطبه گویا استیضاف بیانی است یعنی جواب از اشکال مقدر است. و اشکال عبارت از این است که شاید برخی از جوانان اعتراض کنند که چرا نمی گذارید به جبهه برویم و به فیض عظیم شهادت نائل آییم، حضرت در پاسخ آنها می گوید مطمئن باشید همین که چنین نیت خیری دارید، اگر در رختخواب آسایش نیز از دنیا بروید، ثواب شهید را به شما خواهند داد.

«وقامت النیة مقام إصلافة لیسفه، فان لكل شیء مدّة وأجلاً».

و نیتش قائم مقام شمشیر کشیدنش می باشد، و همانا برای هر چیزی مدت و اجلی است.

اینچنین انسانی که مایل است به جبهه برود و شهید شود، اگر شرایط برای او فراهم نباشد، نیتش کافی است که بجای شمشیر کشیدن و سلاح بدست گرفتنش، به همان مقام ارجمند برسد. و این را مطمئن باشید که هر چیزی در دنیا اجل و زمانی دارد تا وقتش نرسد پدید نمی آید و هرگاه مدتش تمام شود فانی می شود.

وقت آن نرسیده است، پس فعلاً نباید دست به کار شد بلکه باید مقدمات کارزار را فراهم آوریم تا در وقت مناسب بتوانیم از پی جنگ برآئیم.

«فانه من مات منکم علی فراشه وهو علی معرفة حق ربه وحق رسوله وأهل بيته مات شهيداً ووقع اجره علی الله».

پس هرگاه یکی از شما در بستر استراحتش هم از دنیا برود ولی نسبت به حقوق پروردگارش و پیامبرش و اهل بیت پیامبرش شناخت داشته باشد، شهید مرده است و اجر و پاداشش با خدا است.

نیت، قائم مقام عمل

گویا حضرت خطاب به مؤمنینی می کند که نمی خواهند در رختخواب بمیرند و میل دارند در میدان کارزار و در حال جهاد به درجه رفیعه شهادت برسند و به آنها این امید را می دهد که چون شما حاضرید در راه خدا از جان خود بگذرید و شهید شوید و ایمانتان کامل است و نسبت به احکام شرع و حقوقی که خداوند و پیامبرش و اهل بیت پیامبر بر شما دارند وفادار هستید و شناخت دارید، گرچه امکان رفتن به جبهه و در میدان جنگ به شهادت رسیدن برای شما نیست ولی مطمئن باشید که در رختخواب هم اگر بمیرید چون با این نیت هستید، خداوند اجر و مزد شهید را به شما خواهد داد و اجر و پاداشتان را خودش معین فرموده است.

«واستوجب ثواب مانوی من صالح عمله».

پرتال مولودی مبارک

دریاها و شیبه عیسی بن مریم است. پاک و پارسا است مادری که او را بدنیا آورد که با طهارت و پاکیزگی آفریده شده است.

مجله پاسدار اسلام سی ام بهمن ماه امسال که مصادف است با سالروز ولادت این مولود مسعود به همه پویندگان راهش و بویژه به رزمندگان عزیز جبهه نور علیه ظلمت تبریک می گوید.

حضرت رضا علیه الصلاة والسلام در باره ولادت با سعادت فرزند عزیزش حضرت جواد الائمه علیه السلام به اصحاب خود چنین فرمود:

«قد وُلد لي شبيهة موسى بن عمران فإلى البحار وشبهه عيسى بن مريم فِدست أم وُلدته قد خُلقت طاهرة مُطَهَّرة».

(بحار جلد ۵ ص ۱۵)

من دارای فرزندی شدم که شبیه موسی بن عمران شکافته